

درآمدی بر فلسفه کتابداری با تأکید بر رهیافت‌های فرانظریه‌ای شناختی و متافیزیکی

دکتر عبدالرسول جوکار^۱

دکتر فاطمه معتمدی^۲

چکیده

بازتاب درک ضرورت وجود فلسفه‌ای در کتابداری که بدان وسیله بتواند ضمن بازنمون هویت و تنظیم اهداف، به رشد و شکوفایی علمی و حرفه‌ای خود پردازد، در قالب رهیافت‌های متعددی جلوه کرده است. اما از میان همه دیدگاه‌های مختلف موجود در این زمینه، دو رهیافت شناختی و متافیزیکی – که از مهم‌ترین رهیافت‌های فرانظریه‌ای است که تاکنون در کتابداری شناخته شده است – به عنوان سؤالات اساسی فلسفه در کتابداری مطرح می‌باشد. رهیافت‌های مورد اشاره شاید ناشی از این تفکر است که کتابداری به دلیل سروکار داشتن با کل دانش و فرهنگ، و تمرکز آن بر شکل، ساختار، نظم، و ارتباط درونی دانش، فلسفه‌اش نیز باید همانند یک فلسفه محض و تمام عیار، به یک فراعلم تبدیل شود. لذا به دنبال این نگرش فلسفی، نظریه «فراکتابداری» مطرح شده که در متن این مقاله با تفصیل بیشتر به آن پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها

فلسفه، کتابداری، رهیافت شناختی، رهیافت متافیزیکی

مقدمه

را مورد تحلیل، مقایسه، و ارزیابی قرار داد. فلسفه، نقطه آغاز نظریه‌سازی است و نظریه‌پردازی برای پروردن اصول و مفاهیمی که به روشن شدن مسائل معرفت‌شناختی یاری می‌رساند، ضروری است. فلسفه به عنوان نظریه جامع یا وحدت سازمان‌یافته یک موضوع، اصولی را دربرمی‌گیرد که

کارکرد بارآور ناشی از تحلیل فلسفی، فلسفه را برای تمامی دانش از جمله علم کتابداری با اهمیت می‌سازد؛ چون قادر است به‌گونه‌ای زمینه ایجاد چارچوبی نظری و ساختاری منسجم را فراهم آورد که بتوان در قالب آن، دیدگاه‌ها و تعریف‌های خاص

۱. دانشیار علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه شیراز

۲. دکترای کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه علوم پزشکی کرمان f_motamedi@kmu.ac.ir

حقایق و واقعیت‌های متنوع را گرد آورده و به هماهنگی خاص نظر و عمل می‌پردازد. به این ترتیب نگرش و پویش فلسفی به رشد و اعتبار دانش حرفه‌ای نیز کمک می‌کند.

با توجه به اینکه در بستر کل کتابداری، دانشی هسته‌ای وجود دارد که رهیافتی یگانه را برای استفاده از دانش مهیا می‌سازد، وجود فلسفه برای کتابداری امری حیاتی و اساسی است. کتابداری با داشتن فلسفه می‌تواند ارزیابی کامل‌تری از عملکردها و خط‌مشی‌های کتابخانه به عمل آورد و نیز خواهد توانست از پس چالش‌های جامعه‌ای در حال تحول، نه تنها از جهت رقابت فنی، بلکه از نظر وارد بودن به موضوع نیز برآید.

ضرورت وجود فلسفه کتابداری همواره مورد توجه دانشمندان و صاحب‌نظران این رشته بوده است؛ به‌طوری‌که هریک به نوعی در باره آن اظهارنظر کرده‌اند. از جمله اینکه «فلسفه، نقش کتابخانه را در جامعه تعریف می‌کند»، «به کتابداری به عنوان یک رشته اعتبار می‌بخشد»، «به عملکرد کتابداری معنا می‌دهد»، «دانش نسبت به هدف را روشن می‌کند، و در نتیجه باعث دقت در عمل می‌شود» (۲۵: ۱۶۷-۱۷۶). لازم است در زمینه ایجاد فلسفه‌ای برای کتابداری تلاشی جدی صورت گیرد، چون وجود فلسفه برای کتابداری موجب می‌شود که فرصت‌های مناسبی برای استفاده از روش‌شناسی علمی، و اتحاد والای حرفه‌ای فراهم شود (۷: ۲۳۵-۲۴۷). دانش کتابداری باید در اصول مجرد سازماندهی شود و «تخصص در کلیت» به

تنهایی کافی نیست، بلکه فلسفه کتابداری باید مسائل عقلانی حرفه را بیان کند (۱۵).

فاسکت^۳ نیز به ذکر دلایلی می‌پردازد که موجب تأخیر در تدوین و پیشرفت فلسفه کتابداری شده است؛ از جمله مبهم بودن نقش کتابدار و ابهام در مسئولیت اساسی کتابخانه که بارها توسط متخصصان و صاحب‌نظران این رشته اشاره شده است؛ و دیگر، حمایت و پشتیبانی اندک اجتماع از آن، که باعث شده کتابخانه به عنوان یک نهاد، رشدی غیرمستقیم داشته باشد. وی همچنین به محدودیت زمینه فلسفی و استمرار فکری کتابداران اشاره کرده و می‌افزاید: «علی‌رغم اینکه کتابداران نسبت به نقش اجتماعی خود آگاهی دارند، نمی‌توانند با انسجام یا استمرار فکری علت آن را بیان کنند و این فقدان حس استمرار، شگفت‌آورترین کمبود فلسفی کتابداری است» (۱۲). ویلر^۴ نیز به همین نکته اشاره کرده و معتقد است که فلسفه کتابداری وجود دارد اما به خوبی بیان نشده است (۲۹).

بنابراین، لزوم بیان فلسفه کتابداری به شیوه‌ای درست و صریح، و نیز سعی در جهت پایه‌ریزی و ایجاد فلسفه‌ای برای کتابداری از جمله دغدغه‌های متفکران این رشته بوده است؛ لیکن به‌گونه‌ای لازم و سزاوار به آن پرداخته نشده است. به تعبیر دیگر تلاشی منسجم و اصولی که از همفکری و اتحاد رأی سرچشمه گرفته و به فلسفه‌ای یکپارچه و واحد منتهی شود، در این زمینه انجام نشده است. متون کتابداری نیز مؤید همین مطلب است؛ به‌طوری‌که فحوای آن حاکی از عدم

3. Foskett

4. Wheeler

توافق‌ها، اختلاف‌نظرها، و تفاوت مسیرها و در پاره‌ای موارد بیان نادرست یا نامناسب، و یا حتی عدم بیان و نشر آن می‌باشد (۳؛ ۴: ۱-۴۸؛ ۳۱: ۲۵۰-۲۶۰؛ ۱۲؛ ۱۱: ۹۰-۹۶).

به همین سبب با توجه به مورد اخیر، یعنی لزوم نشر مطالعات انجام شده در این زمینه، پژوهشگران بر آن شدند تا حداقل با بیان بخشی از کاری که در این زمینه انجام شده است، گامی مؤثر در جهت شناساندن مبانی فلسفه این رشته، حداقل به جامعه کتابداران ایرانی که متأسفانه آشنایی بسیار اندکی با جنبه‌های فلسفی کتابداری داشته و قهراً مطالعات بنیانی چندانی نیز توسط آنها در این عرصه انجام نگرفته است، بردارند.

به دلیل نقش مهمی که مطالعات شناختی و متافیزیکی در تعریف و تشریح فلسفه هر رشته، از جمله کتابداری، ایفا می‌کنند و نیز با توجه به اینکه طبق بررسی متون، مهم‌ترین دیدگاه‌های شناخته شده تاکنون در فلسفه کتابداری، به اعتراف اغلب نویسندگان این رشته (۱: ۹۳-۱۰۵؛ ۱۰؛ ۲۱)، رهیافت‌های فرانظریه‌ای معرفتی و متافیزیکی بوده است، تحقیق حاضر سعی دارد تا از رهگذر تشریح دیدگاه‌های مختلفی که در مورد نقش فلسفه در تعریف کتابداری وجود دارد، مروری بر نقش جنبه‌های شناختی، و متافیزیکی فلسفه در کتابداری، از منظر نویسندگان متخصص این رشته داشته باشد.

بدیهی است که کاوش در نظرگاه‌های متفاوتی که پیرامون یک زمینه خاص مطرح

بوده است، اطلاع از مبادی و سیر تحول آن را در گذر زمان، از حیث پیدایش تنوع و تعدد مکاتب فکری مختلف، می‌طلبد. لذا در ابتدا، به منظور فراهم‌سازی بستری مناسب جهت ورود به بحث و بسط آن، لازم است مروری هرچند اجمالی بر سیر تحول و پیدایش مکاتب فلسفی کتابداری انجام گیرد.

روند تحول مکاتب فلسفی کتابداری

در حقیقت فلسفه کتابداری تحت تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم مکاتب اصلی فلسفی از جمله مکاتب فلسفی افلاطون، ارسطو، اصالت وجود، عمل‌گرایی، رفتارگرایی، اثبات‌گرایی منطقی^۵، فلسفه تحلیلی، انسان‌گرایی علمی، و دیالکتیک ماتریالیسم بوده است؛ به طوری که با ترکیب ایدئالیسم متافیزیکی افلاطونی، تحلیل شناخت شناسانه ارسطویی، عمل‌گرایی معاصر، و تحلیل روندی زبان‌شناسی رشد کرد. همچنین بنا به گفته آگان^۶ از نظر تاریخی توجه و تمرکز کتابخانه از «نگهبانی کتاب» به «مسائل فنی» در دهه ۱۸۷۰، از توصیف به «توضیح منابع برای مراجعان کتابخانه» در دهه ۱۹۲۰، و به «شروع تحقیق برای یک فلسفه غنی کتابداری» در دهه ۱۹۵۰ تغییر یافت (۹: ۱۵-۲۲).

نیتکی^۷ به نقل از کارستد^۸ درباره تحول و تغییر نگرش در فلسفه کتابداری چنین می‌گوید: «در نیمه اول قرن بیستم با معرفی نظریه تعالی یا بهبود^۹ در قبل از سال ۱۹۰۰، تحول اصلی در این رشته شروع شد و

5. Logical positivism

6. Egan

7. Nitecki

8. Karsted

9. Uplift Theory

کتابداری که تا قبل از آن مبتنی بر فلسفه فردگرایی و توجه صرف به محتوای کتاب‌ها بود، تغییر نگرش داده و به فلسفه جمعی متمایل شد، به طوری که آگاهی انفرادی به تدریج جای خود را به آگاهی گروهی داد» (۲۱).

فلسفه جدید کتابداری با توسعه جامعه‌شناسی کتابداری در سال‌های اولیه ۱۹۳۰ شروع شد. محور تمرکز این فلسفه از جنبه‌های سیاسی (۱۹۴۰-۱۹۵۰) به مطالعه روش‌های زبان‌شناسی (۱۹۵۰-۱۹۶۰)، و پس از آن به ترتیب به کاربرد ریاضیات (۱۹۶۰-۱۹۷۰)، قوانین پنج‌گانه رانگاناتان^{۱۰} و شناخت‌شناسی اجتماعی (۱۹۷۰-۱۹۸۰) تغییر یافت (۳۰). اندیشه‌هایی که بر این فرایند نفوذ داشتند، عبارتند از: اندیشه‌های آرمان‌گرایانه افلاطون، باتلر، هینس^{۱۱}، پاول^{۱۲}، ریچاردسون، و سیرز؛ تحقیق جامعه‌شناسانه ارسطویی؛ روش‌شناسی شرا و شورز^{۱۳}؛ حرفه‌مندی دیویی؛ دیدگاه‌های اداری نوده^{۱۴}، دیوری^{۱۵}، پانیزی^{۱۶}، و پوتنام^{۱۷}؛ نگرانی‌های آموزشی فاسکت، آر، و بوتاسو^{۱۸}؛ مطالعات رده‌بندی رانگاناتان؛ فردگرایی برادفیلد^{۱۹}؛ و مدل‌های فیزیکی رایت و نیتکی (۱۹: ۴۹۴-۴۹۸).

دیدگاه‌های فلسفه در حال رشد لیبرال

قرن ۱۹ توسط مک کالوین^{۲۰}، برادفیلد، و کلارک^{۲۱} ارائه شد (۵). این فلسفه تحت‌تأثیر تجربه‌گرایی ویپلز^{۲۲}، رهیافت برلسون^{۲۳}، و آرای انسان‌گرایانه باتلر^{۲۴} بود (۲۷: ۲۹۹). باتلر در فلسفه کتابداری سهمی اساسی داشت. از دیدگاه او کتابداری عبارت است از: مطالعه نظریه، تاریخ، و کتابشناسی تحقیق؛ و اختصاص به حقیقت، زیبایی، و عدالتی دارد که در دانش‌پژوهی^{۲۵}، اخلاق، و زیبایی‌شناسی منعکس شده است. فلسفه باتلر در مورد کتابداری، با عنوان «فرهنگ‌گرایی»، مفهوم عقلانی کتابداری را برحسب اصول علمی، انگیزه فرهنگی، و کاربردهای فناورانه آن تعریف کرد؛ به همه اینها از دیدگاه علوم انسانی نگریسته می‌شود (۷: ۲۳۵-۲۴۷).

به‌طور کلی سیر تحولات روندهای عقلانی و فلسفی کتابداری را می‌توان به نقل از نیتکی به این شرح بیان کرد:

۱. دوره ماقبل فلسفی (۸۰۰ تا ۶۰۰ ق.م)، مشخصه آن نیاز به توضیح معمولی درباره اسرار زندگی است؛
۲. عصر کلاسیک (۶۰۰ ق.م. تا ۴۰۰ ق.م)، که مشخصه آن غلبه عقلانیت است. در این عصر فلسفه سقراط، افلاطون، و ارسطو، که مهم‌ترین فلاسفه این دوره بودند، مبنای اساسی فلسفه کتابداری می‌شود؛

10. Ranganathan

11. Hains

12. Powel

13. Shera & Shores

14. Naude

15. Durie

16. Panizzi

17. Putnam

18. Orr & Botasso

19. Broadfield

20. McColvin

21. Clark

22. Waples

23. Brelson

24. Butler

25. Scholarship

۳. عصر اعتقادی (۴۰۰ تا ۱۴۰۰ م.)، که از حیث فلسفی، دوره جست‌وجوی معنای وجود انسان و بازگشت به غلبه الهیات است؛

۴. عصر ماجراجویی یا فلسفه رنسانس (۱۴۰۰ تا ۱۵۰۰ م.)، که مشخصه آن تغییرات حاصل از کشفیات جغرافیایی و با ثبات سنت کلاسیک در تضاد بود؛

۵. عصر استدلال یا فلسفه مدرن (قرن ۱۷). مشخصه آن پیدایش علوم فیزیکی است و نیز مبتنی بر روش‌شناسی ارسطویی می‌باشد؛

۶. عصر روشنگری یا فلسفه علوم طبیعی (قرن ۱۸)، که با حمایت از روش مشاهدات تجربی جهت کشف حقایق، قصد تبدیل فلسفه به علم طبیعی را داشت. در این عصر فلسفه به نوعی فیزیولوژی یا رفتارگرایی روان‌شناسانه علمی تبدیل می‌شود که هر چیزی را به اجزای اتمی تحلیل می‌کند. در اینجا فقط قطعیت منطقی یا ریاضی دانش قابل قبول است. فلاسفه این قرن احساس می‌کردند که چنین پیشرفتی در فلسفه نیز می‌تواند ایجاد شود؛

۷. عصر ایدئولوژی یا مکتب‌شناسی (قرن ۱۹) و نظریه‌پردازی و بازسازی ایدئولوژیکی و فرهنگی، که مشخصه آن ظهور مجدد متافیزیک در شکل ایدئالیسم هگلی، طبیعت‌گرایی تکاملی اسپینسر، و نظرات مادی‌گرایی دیالکتیک مارکس است که همه اینها بر انسان و توسعه تاریخی آن تمرکز دارد. به سمت پایان این قرن، پیرس دیدگاهی عمل‌گرایانه را فرمول‌بندی کرد. از نظر وی،

واقعیت، مفهومی دائماً در حال تغییر و پیشگویی بود که به‌طور متافیزیکی پیش‌بینی و به‌طور علمی توصیف، و با اجماع تعریف می‌شود؛ و

۸. عصر تحلیل یا ورود به قلمرو فلسفی ناشناخته (قرن ۲۰)، که دوره‌ای فعال است، فلسفه انگلوامریکن - که تحلیلی، عمل‌گرایانه، زبان‌شناسانه است - و فلسفه‌های اثبات‌گرایی منطقی، واقع‌گرایی، و فلسفه تحلیلی غالب هستند. به‌طور کلی فلسفه قرن ۲۰ به سه دیدگاه تقسیم می‌شود: (۱) تصور تکاملی و آرمان‌گرایانه زمان؛ عمل‌گرایی پیرس و ویلیام جونز و دیویی که تمامیت متافیزیکی را با روش‌های علمی و منطقی ترکیب کرد؛ و (۲) فلسفه تحلیلی که آنتی‌متافیزیکی، اثبات‌گرایانه، و منطقی بود؛ و (۳) فلسفه ریاضی و منطقی راسل (۲۱). امروزه نیز فلسفه اغلب به عنوان تلاشی نظام‌مند برای درک دانش و ماهیت نهایی آن تعریف می‌شود که توضیحی عقلانی و انتقادی از نظریه‌های مربوط به جهان پیرامون ما ارائه می‌دهد.

تعریف و ماهیت فلسفه کتابداری

در مورد تعریف و ماهیت فلسفه کتابداری، دیدگاه‌ها و نظرات متفاوتی وجود دارد. برخی آن را پرس‌وجو و جست‌وجویی در ماهیت، معنا، اهداف، و کارکردهای کتابداری می‌دانند که پاسخ‌هایی را برای سؤالات مربوط به اصل و ماهیت کتابخانه از جمله معنای کتاب به مفهوم عام کلمه، سرشت و ماهیت مراجعان، مفهوم دانش، و نظیر آن

فراهم می‌آورد (۲۴: ۲۷-۳۳). برخی دیگر آن را به عنوان طلب و جست‌وجوی حقیقت، اصول و نظریه‌هایی معرفی می‌کنند که به توضیح واقعیت و راهنمایی جهت نحوه انجام کار می‌پردازد (۵) و بعضی نیز آن را شامل موضوعاتی همچون نفوذهای تاریخی، نقش‌های فرهنگی، مسئولیت‌های شهروندی، و روان‌شناسی خوانندگان می‌دانند (۲۹).

به‌طور کلی راثو^{۲۶} چهار رهیافت را درباره فلسفه کتابداری شناسایی می‌کند: (۱) رهیافت سازوکاری، که در آن، نظر را به نفع عمل کنار می‌گذارد؛ (۲) رهیافت ارگانسمی یا سازمانی که فنون را تابع اصول می‌کند؛ (۳) رهیافت طبیعت‌گرایی که معتقد است اصول کتابداری از جنبه‌های عملکردی این رشته رشد می‌کند و به شکل نظریه تکامل می‌یابد؛ (۴) رهیافت انعکاسی که بر تغییر کارکردها همگام با تغییر اوضاع اجتماعی کتابخانه‌ها تأکید دارد (۲۲: ۶۹-۷۲). در مقابل این رهیافت‌ها، دو رهیافت عمل‌گرایانه رقیب وجود دارد که عبارتند از: (۱) رهیافت مربوط به فلسفه مخزن^{۲۷} مجموعه (نگهداری مدار) که بر توسعه منابع تمرکز دارد؛ و (۲) رهیافت مربوط به فلسفه خدمت (ارتباطی‌مدار) که بر نیازهای مراجعان در استفاده از منابع تأکید دارد (۲۰: ۴۹۳-۴۹۶). همچنین ویلارد^{۲۸} بین سه رهیافت مربوط به فلسفه کتابداری تمایز قائل شده است: (۱) رهیافت واقعیت‌بنیاد^{۲۹} یا علمی؛ (۲) رهیافت استقرایی یا فلسفی؛ و (۳) رهیافت مبتنی بر مصلحت یا فرضیه (۲۸). به علاوه

رانگاناتان رهیافتی فلسفی را پذیرفت که فقط به جنبه خدمتی کتابداران محدود بود (۲۳)، در حالی که دانتون^{۳۰} رهیافتی جامعه‌شناسانه را پیشنهاد کرد که فلسفه کتابداری را به کارکرد آن مرتبط می‌سازد (۸: ۵۲۸-۵۲۹).

در مورد اینکه فلسفه کتابداری چه چیز باید باشد، به عنوان نمونه به نظرات فاسکت، باتلر، و نیتکی، اشاره می‌گردد: (۱) فلسفه کتابداری باید بر تعریف اهداف این رشته از جمله رشد یکپارچگی دانش، و کاهش تضاد بین علم - انسان‌گرایی متمرکز باشد، به طوری که کتابخانه عمومی بر فرهنگ عمومی، و کتابخانه‌های تخصصی بر مجموعه‌ها و خدمات مرتبط با علم تمرکز کنند (۱۴: ۲) اهمیت کتاب و کتابخانه را بر حسب رفتار انسانی و وفاداری کتابدار به حقیقت، عدالت، و زیبایی توضیح دهد (۶)؛ و (۳) یا بر روابط درونی بین نیازهای جامعه و منابع نهادی و همچنین بر نقش آن در دانش پژوهی تمرکز داشته باشد (۲۱).

به علاوه، در مورد تدوین فلسفه کتابداری نیز نظرات متفاوت و متعددی وجود دارد. برخی آن را براساس قوانین نظریه نظام‌های عمومی می‌دانند (۱۳)؛ برخی دیگر بر موضوعاتی مثل هستی‌شناسی، تأویل‌گرایی، نشانه‌شناسی، و سیبرنتیک تأکید کرده‌اند (۱: ۴۸-۱). عده‌ای نیز ضمن اشاره به جنبه منحصر به فرد فلسفه کتابداری، معتقد به لزوم سهم فعال آن در فلسفه اطلاعات می‌باشند. هرولد^{۳۱} در بحث مربوط به ذهن به

26. Rao

27. Storehouse

28. Wellard

29. Factual

30. Danton

31. Herold

نظریه‌های سیستم‌های عمومی، پارادایم‌های تعامل اجتماعی، تعامل در تبادل اطلاعات بین ذهن‌ها و ماشین‌ها، نظریه اطلاعاتی کوانتوم، مفاهیم نظریه نسبیت، و مباحث مربوط به اطلاعات و ذهن می‌پردازد و می‌گوید اطلاعات برای پارادایم علم‌شناختی جنبه مرکزی دارد (۱۶). همچنین گفته می‌شود که هدف فلسفه نوظهور این رشته عبارت است از: جست‌وجوی ارزش‌های بالای مشابهی در مورد دست‌یابی کارآمد و مؤثر به اطلاعات، و این در حالی است که همان سؤالات متافیزیکی یکسان، که مدت‌ها پیش در کتابداری مطرح بوده، همچنان مطرح است، و ماهیت پایه پدیده‌های اطلاع‌رسانی در رهیافت شناخت‌شناسی نیز در همان حد خصوصیات لازم محتوای اطلاعات ثبت شده، همچنان باقی است (۲۱).

سرانجام برخی دیگر از نویسندگان در این زمینه معتقدند چون کتابداری، کل دانش و فرهنگ را مورد خطاب قرار می‌دهد و بر شکل، ساختار، نظم، و ارتباط درونی دانش تمرکز دارد، فلسفه آن همانند یک فلسفه اصلی و تمام عیار، به یک فراعلم تبدیل می‌شود. به علاوه همه فلاسفه کتابداری همچون فلاسفه محض، به مثابه میانجی‌گرها و واسطه‌هایی می‌مانند که به سایر رشته‌ها خدمت می‌کنند، زیرا با مسائل مفهومی این رشته‌ها سروکار دارند (۱۸: ۲۹۶)؛ مسائلی که مبتنی بر کار فیزیکی کتابخانه نیست، بلکه بر واقعیت‌های متافیزیکی خود کتابداری استوار است که در آن مفهوم ذهن بشر به عنوان منبع و موضوع این رشته محسوب می‌گردد (۳۱):

(۲۵۰-۲۶۰).

به‌طور کلی باید گفت که درک مسائل شناختی و متافیزیکی از مسائل فلسفی جدا نیست. از طرف دیگر تشریح فلسفه یک رشته منوط به روشن بودن مسائلی است که به موضوعاتی مثل ماهیت و ذات می‌پردازد. چنین موضوعاتی در حیطه مطالعات شناختی است. چنان‌که نیتکی نیز در همین زمینه ضمن تأکید بر مسائل مربوط به شناخت‌شناسی و متافیزیکی سؤالات اساسی فلسفه را به این شرح بیان می‌دارد: (۱) سؤالات شناخت‌شناسی که مربوط به ماهیت رشته است و تحلیل‌های نقادانه‌ای را در مورد پارادایم‌های آن فراهم می‌کند؛ (۲) سؤالات متافیزیکی که منعکس‌کننده جوهره رشته، معنای ریشه‌ای و اصلی آن، ماده محمل‌های اطلاعاتی، و محتوای آنهاست؛ (۳) سؤالات زیبایی‌شناسی؛ و (۴) سؤالات منطقی که با نظریه و اصول استدلالی سروکار دارد و امکان قضاوت یا نتیجه‌گیری مطابق با داده‌های موجود را به فرد می‌دهد (۲۱).

به هر حال با توجه به اهمیت و نقش خاص مسائل شناختی و متافیزیکی در مطالعه فلسفی کتابداری، در این قسمت، به‌طور جداگانه به هر یک از دو رهیافت معرفت‌شناختی و متافیزیکی پرداخته می‌شود.

فلسفه کتابداری از منظر معرفت‌شناختی

هر رشته علمی برای پیشبرد تحقیق و تعمق و ژرف‌اندیشی، نیاز به مبنایی معرفت‌شناختی دارد (۲: ۳۱۷-۳۴۹). رهیافت معرفتی از جمله مهم‌ترین رهیافت‌های فرانظریه‌ای می‌باشد که

تاکنون در کتابداری شناسایی شده است (۱۰). اصطلاح «فرانظریه» در توضیح ویژگی‌های ثابت هر رشته، به کار می‌رود و به تعریف خصوصیات پایه‌ای می‌پردازد که همواره در یک رشته، با هر جهتی که در پیش می‌گیرد، ماندگار است. از جمله این خصوصیات پایه می‌توان به ساختار و شکل فرایندها اشاره کرد (۲۱).

در حقیقت شناخت‌شناسی که ماهیتی فرانظریه‌ای دارد، به توصیف فرایندهای متعادل‌کننده تمایلات تجربی‌ای می‌پردازد که برای تنزل اندیشه‌ها به داده‌ها وجود دارد، درحالی‌که این ادعای متفاوتی که وجود آنها مستقل است، تحلیل منطقی ارزش شناخت‌شناسی این فرایندها را تعیین می‌کند (۳۲). نیتکی با مورد تأکید قرار دادن اهمیت پرداختن به جنبه‌های شناختی، مخصوصاً ضرورت توجه به معرفت‌شناختی را در ارتباط‌های پیچیده خاطر نشان می‌سازد. وی همچنین آن را شامل نظریه علمی و روش‌شناسی تجربی دانسته و معتقد است که شناخت‌شناسی در بافت ارزش‌های اجتماعی، فعالیت‌های روان‌شناسانه خواندن و مسئولیت‌های آرشیوی تاریخی در نظر گرفته می‌شود. به علاوه نیتکی نقش رویکرد روندی را در توصیف ماهیت شناخت‌شناسانه کتابداری، با اشاره به شباهت آن با دیدگاه فلسفی تجربی که بر واقعیت تجربه شده معنایی کتابداری تمرکز دارد، توجیه می‌کند (۲۱).

به این ترتیب، گونه‌ای از معرفت‌شناسی بر اندیشه و فعالیت‌های کتابداری و

اطلاع‌رسانی استیلا دارد که صرف‌نظر از شناخت یا پذیرش آن، نفوذ خود را بر این حوزه گسترش داده است. این معرفت‌شناسی حاکم، همان است که عموماً «اثبات‌گرایی» خوانده می‌شود و ثمره استیلاي آن موضع فلسفی و شیوه رفتاری ویژه‌ای بوده است. از نگاه باد، اثبات‌گرایی در علوم اجتماعی و نیز در کتابداری و اطلاع‌رسانی جایگاه استواری یافته است؛ لیکن تردیدهای صریح نسبت به این سنت اثبات‌گرایانه با تأیید مواجه نبوده است. وی با اشاره به این مطلب، پیشنهاد می‌کند که پدیده‌شناسی تفسیری به عنوان مبنایی معرفت‌شناختی جایگزین اثبات‌گرایی شود و در توجیه آن اظهار می‌دارد: «این مبنا، موضع و موقعیتی است که به جای مسیرهای مسدود، راه‌های مختلفی را به روی پژوهشگر باز می‌کند و علاوه بر آن واژگان، ابزار بیان، و شیوه توصیف و توضیح نیز به شمار می‌رود... با نگاه از منظر معرفت‌شناختی می‌توان پرسش‌های مهم و معنی‌دار کتابداری و اطلاع‌رسانی را تشخیص داد» (۲: ۳۱۷ - ۳۱۸ و ۳۲۹).

به‌طورکلی، دیدگاه‌های شناختی در کتابداری از جنبشی بین‌رشته‌ای به نام «علوم‌شناختی» سرچشمه گرفته است. این جنبش عمدتاً به سال ۱۹۵۶ در روان‌شناسی برمی‌گردد (۳۲؛ ۱۷: ۲۵۷-۲۷۰). یورلند^{۳۲} درباره جایگاه تجربیات روان‌شناختی در اطلاع‌رسانی به نقل از اینگورسن می‌گوید: «تجارب روان‌شناختی در پردازش اطلاعات انسانی، بنیان نظری صحیحی را برای

اطلاع‌رسانی فراهم می‌کند». این عقیده بعداً به عنوان جریان مهمی در این رشته نمایان شد. مسئله اصلی در اطلاع‌رسانی، چگونگی تفسیر منابع، به منظور سازماندهی، جست‌وجو، و برآوردن نیازهای اطلاعاتی است. از دید یورلند این‌گونه نظریات تفسیری، دیدگاه‌های معرفت‌شناختی و اندیشه‌هایی هستند که به‌طور تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، و علمی توسعه یافته‌اند. این دیدگاه، گرایش به روان‌شناسی کردن مسائل معرفت‌شناختی دارد. اما آنچه مورد نیاز است، «دیدگاه اجتماعی - شناختی» است که گرایش به معرفت‌شناختی کردن مسائل روان‌شناختی (یعنی مشاهده افراد در یک چشم‌انداز تاریخی، فرهنگی، و اجتماعی) دارد. وی بر این باور است که دانش معرفت‌شناختی برای نظریات کلی مربوط به سازماندهی دانش، بازیابی اطلاعات، و دیگر مسائل زیربنایی در علم اطلاع‌رسانی مبنایی میان‌رشته‌ای فراهم می‌کند و سخن خود را چنین ادامه می‌دهد: «این مورد، ممکن است تنها زیربنای کلی‌ای باشد که امکان تشکیل آن وجود دارد. در صورت صحت این تحلیل، مطالعات معرفت‌شناسی و علمی، مهم‌ترین زمینه‌ی مربوط به اطلاع‌رسانی به حساب می‌آید. به‌طوری‌که نظریه‌ها و مفاهیم معرفت‌شناختی، که با توسعه و تعریف موشکافانه آنها می‌توان معیارهای دقیقی را برای سازماندهی دانش، بازیابی اطلاعات، و طراحی نظام‌های اطلاعاتی تدوین کرد، مقوله‌ها و مفاهیمی هستند که در بازیابی اطلاعات نقش زیربنایی ایفا می‌کنند» (۱۷: ۲۵۷-۲۷۰).

فلسفه کتابداری از منظر متافیزیکی

از جمله موضوعاتی که در حوزه مباحث متافیزیکی جای گرفته است، بحث مربوط به فراعلم بودن کتابداری می‌باشد که اخیراً توسط عده‌ای از صاحب‌نظران این رشته مطرح شده است. به‌طور کلی شناخت یک سطح میانجی مثل فراعلم، شناختی مفید و مؤثر دانسته شده است. کاپلان^{۳۳} درباره معرفی و توضیح فراعلم چنین می‌گوید: «فراعلم درباره موضوعاتی است که اساساً فراهم‌آورنده اندیشه‌های ما درباره انسان و طبیعت، و یا زبان و روش‌های ما در انتقال و پردازش اطلاعات می‌باشد. به نظر می‌رسد فراعلم، یک سطح میانجی درباره موضوعات انسانی و طبیعی باشد که اساساً ذهن و اندیشه ما آنها را فراهم آورده است. منطقی، زبان‌شناسی، معناشناسی، ریاضیات، نظریه اطلاعات، و نظریه‌های سیستم‌های عمومی در این مقوله می‌گنجد. این علوم نهایتاً از درک اساسی نسبت به جهان مشتق می‌شوند؛ اما بر روی یک پیوستار دانش که امتداد آن از اصول بنیادی علمی و فلسفی (دانش مفهومی) شروع و تا دانشی که به‌طور روزمره و عادی در زندگی روزانه (روندی و تجربی) به کار می‌بریم، ادامه می‌یابد» (۱۸: ۲۹۶).

وی ماهیت و نقش کتابداری را به عنوان فراعلم توصیف کرده و آن را با داشتن انواع روش‌های کتاب‌شناختی برای تعیین محل، انتخاب، و ترکیب نظریه‌های مرتبط رشته‌های دیگر، برای آن کارکرد، به خوبی مناسب می‌داند (۱۸: ۲۹۶). نیتیکی نیز کتابداری را فراعلمی در

نظر می‌گیرد که توسط اوتن و دبون^{۳۴} ترکیبی از رشته‌های متعدد تعبیر شده است که درون یک نظریه جای گرفته است (۲۱).

وی بر همین اساس، نظریه «فراکتابداری» را مطرح کرده و آن را چنین تشریح می‌کند: «نظریه فراکتابداری یک بررسی دقیق متافیزیکی درباره خصوصیات خارق‌العاده جنبه‌های کتابشناختی اطلاعات است که مرزهای کتابداری یا اطلاع‌رسانی را در نوردیده و به ورای آنها کشیده می‌شود. این نظریه به جوهره متافیزیکی - که مربوط به روابط اساسی بین مفاهیم ثبت شده و شناخت آنها بوده و واقعیت‌های نهایی کتابداری را تعریف می‌کند - و نیز به ماهیت شناخت‌شناسی، ارزش‌های اخلاقی، و اهداف تشکیلات اطلاعاتی توجه می‌کند. بنابراین به اعتقاد وی، فراکتابداری حوزه‌ای میان رشته‌ای است که برخی از جنبه‌های علوم طبیعی (مثلاً مرتب و سازماندهی کردن منابع کتابخانه‌ای)، علوم اجتماعی (مثلاً در حوزه‌های مربوط به دستیابی به مدارک مجموعه)، و علوم مجرد یا انتزاعی - که روش‌هایی را برای پیوند دادن رهیافت‌های مذکور با یکدیگر فراهم می‌سازد - (مثلاً برنامه‌ریزی، سازماندهی، و خدمات کتابخانه) را در یکدیگر ادغام می‌کند» (۲۱).

کاپلان نیز فراکتابداری را نظامی انتزاعی می‌داند که بین نیاز فرد به دانش و ابزار موجود برای آن فرد، ارتباط برقرار می‌کند. وی همچنین ضمن تأکید بر وسعت مفهوم کتابداری و طرح یکپارچه‌سازی دو حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی چنین می‌گوید: «اصطلاح فراکتابداری اطلاع‌رسانی به‌طور

آزمایشی به عنوان نامی برای پایه‌های فلسفی کتابداری و اطلاع‌رسانی پیشنهاد می‌شود و یکپارچگی بین دو حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی را به‌منظور بسط و گسترش پارادایم‌های این رشته از طریق فرایندهای عقلانی مطرح می‌سازد. فراکتابداری یک نظریه نیست، بلکه بیشتر درباره ماهیت کتابداری است؛ یک مفهوم وسیع است که انواع رهیافت‌های مربوط به تفسیر پیشینه‌های دانش را تحت پوشش خود قرار می‌دهد. به علاوه، موضوع فراکتابداری منحصرأً به ویژگی‌های مشترک بین یک رسانه ارتباطی (کتاب)، موضوع کتاب، و خواننده خاص محدود می‌شود» (۱۸: ۲۹۶).

فراکتابداری به کتابداری سنتی محدود نیست، بلکه مبتنی بر مطالعه شباهت‌ها و تفاوت‌های میان فعالیت‌های متعدد پردازش پیشینه‌هاست. وی ضمن بیان این نکته که در رهیافت فراکتابداری، سؤال فلسفی برحسب جنبه‌های متافیزیکی، شناخت‌شناسی، و ارزشی فرمول‌بندی شده است، معتقد است که در اینجا تمرکز بر روابطی استعاره‌ای است که دائماً بین ابعاد خاص و جدید واقعیت ثبت شده در مدارک اطلاعاتی، در حال تغییر است. به این ترتیب، او بر این باور است که واقعیت فراکتابداری یک رابطه استعاره‌ای بین سه واقعیت فیزیکی، فرهنگی، و منطقی است؛ به‌گونه‌ای که واقعیت تجربی یا فیزیکی کتابداری در منابع کتابخانه و عملیات کتابخانه‌ای بیان می‌شود. واقعیت اجتماعی یا فرهنگی، اشاره به محتوای موضوعی یک

نتیجه گیری

کتابداری نیز همانند سایر رشته‌ها به منظور تحلیل و ارزیابی تعاریف و دیدگاه‌ها، نظریه پردازی، و همچنین رشد دانش حرفه‌ای خود، به چارچوبی نظری نیاز دارد که زمینه ایجاد چنین چارچوبی را فلسفه فراهم می‌کند. فلسفه این رشته با تأثیرپذیری از مکاتب اصلی عقلانی در هر دوره و ترکیب درون مایه فکری آن مکاتب، شکل گرفت، متحول شد، و رشد کرد؛ به طوری که با تحولات پی در پی به تفکر غالب شناخت‌شناسی اجتماعی انجامید و به دنبال آن دیدگاه فرانظریه‌ای در فلسفه کتابداری مطرح شد. این دیدگاه‌ها اصولاً به توضیح ویژگی‌های ثابت هر رشته مثل ساختار و شکل فرایندها می‌پردازند.

در حال حاضر به گواهی آثار فلسفی این رشته، مهم‌ترین رهیافت‌های موجود در فلسفه کتابداری، دو دیدگاه فرانظریه‌ای شناختی و متافیزیکی است، به طوری که تأکید صاحب‌نظرانی همچون کاپلان و نیتکی بر مسائل شناخت‌شناسی و متافیزیکی، که منعکس‌کننده جوهره رشته است، به عنوان سؤالات اساسی فلسفه مطرح می‌باشد.

بدون مطالعات شناختی، که به موضوعاتی مثل ماهیت و ذات می‌پردازد، امکان تشریح فلسفه یک رشته وجود ندارد. مبنای معرفت‌شناختی از لوازم ژرف‌اندیشی و رشد تحقیق در هر رشته علمی است؛ مخصوصاً اینکه شناخت‌شناسی را شامل نظریه علمی و روش‌شناسی تجربی دانسته‌اند. شناخت‌شناسی با گسترش نفوذ خود در

مجموعه کتابخانه و درک انسانی از معنای پیشینه‌ها دارد؛ و واقعیت مفهومی، فلسفی یا انتزاعی، کارکرد اساسی کتابخانه را به عنوان اشاعه‌دهنده دانش به دست آمده و سازمان‌یافته تعریف می‌کند. وی در ادامه می‌افزاید که هر سه نوع واقعیت در عملیات کتابخانه‌ای، محیط آن، و تعریف معنای دقیق آن رشته نفوذ می‌کند؛ به تعبیر دیگر هر یک از آنها در سطوح روندی، بافتی، و مفهومی، مورد بحث و تفسیر قرار می‌گیرد؛ و در نتیجه با پیشنهاد پاسخ‌هایی متافیزیکی به سؤالات فلسفی پایه، فراکتابداری را یک سؤال متافیزیکی در مورد معنای این رشته تعریف می‌کند (۲۱).

همچنین سوانسون^{۳۵} در این باره می‌گوید: «چون کتابداری همچنان بر دانش مضبوط استوار است، در سطح روندی، آشنایی با کتاب‌ها، خواننده‌ها، و جامعه به‌طور کلی؛ در سطح بافتی، ایجاد انگیزه خواندن در مراجعان؛ و در سطح مفهومی، تلاش در توضیح راه و روشی است که بدان وسیله مراجعه‌کننده، کنجکاوی خود را در درک بهتر نسبت به محیط پیرامونش با تجربیات فیزیکی و روان‌شناسی خود مرتبط می‌سازد. لذا در این سطح، توجه متخصصان مختلف از جمله فلاسفه، جامعه‌شناسان، ریاضی‌دانان، مهندسان، رده‌بندها، و کتابداران را به مسائل مربوط به طراحی، انتخاب منابع، شناسایی معیارها در ارزیابی کیفیت یک مجموعه، مدنظر قرار می‌دهد. وی می‌گوید مان، شرا، و کاپلان که کتابداری را در زمره فراعلم‌ها می‌دانند، همگی از طرفداران این عقیده هستند» (۲۶).

اندیشه و فعالیت‌های کتابداری و اطلاع‌رسانی، از جمله در بافت ارزش‌های اجتماعی و فعالیت‌های روان‌شناسانه خواندن، رخنه کرده است. به علاوه رویکرد روندی کتابخانه‌ای، با شباهت به دیدگاه فلسفی تجربی، و تمرکز بر واقعیت تجربه شده معنایی کتابداری، ماهیت شناخت‌شناسانه این رشته را توصیف می‌کند. به‌طور کلی با نگاه از منظر معرفت‌شناختی می‌توان پرسش‌های مهم و معنی‌دار کتابداری و اطلاع‌رسانی را تشخیص داد.

اعتقاد بر این است که مطالعات معرفت‌شناسی و علمی به منزله مقوله‌ها و مفاهیمی هستند که نقش زیربنایی برای بازیابی اطلاعات دارند، به‌طوری‌که با توسعه و تعریف دقیق نظریه‌ها و مفاهیم معرفت‌شناختی می‌توان معیارهای دقیقی را برای سازماندهی دانش، بازیابی اطلاعات، و طراحی نظام‌های اطلاعاتی تدوین کرد و به این ترتیب زمینه کلی برای اطلاع‌رسانی محسوب می‌گردند (۱۷: ۲۵۷-۲۷۰).

رهیافت متافیزیکی نیز بر این اصل استوار است که فلاسفه کتابداری همچون فلاسفه محض با مسائل مفهومی رشته‌ها، یعنی مسائل مبتنی بر واقعیت‌های متافیزیکی خود کتابداری سروکار دارند؛ واقعیت‌هایی که در آن، مفهوم ذهن بشر، به عنوان منبع و موضوع این رشته محسوب می‌شود (۳۱: ۲۵۰-۲۶۰). به این ترتیب به دلیل شباهت مفهومی میان کتابداری و فراعلم، کتابداری به‌عنوان یک سطح میانجی مثل فراعلم شناخته و در پی آن اصطلاح فراکتابداری مطرح شده است. با این توضیح که گستره فراعلم از دانش

پایه علمی و مفهومی تا دانش کاربردی و تجربی را شامل می‌شود، گستره کتابداری نیز به دلیل مبتنی بودن بر دانش مضبوط از هر رشته‌ای، و نیز با داشتن انواع روش‌های کتابشناختی به ورای مرزهای این رشته امتداد یافته و رشته‌های متعدد دیگر را نیز دربرمی‌گیرد، به‌طوری‌که از ترکیب نظریه‌های مرتبط از رشته‌های دیگر، نظریه‌ای واحد را به‌وجود می‌آورد. این همان نظریه‌ای است که با عنوان «نظریه فراکتابداری» شناخته شده است که به بررسی دقیق متافیزیکی درباره خصوصیات جنبه‌های کتابشناختی اطلاعات، و نیز به جوهره متافیزیکی بین مفاهیم ثبت شده و شناخت آنها پرداخته و واقعیت‌های نهایی کتابداری را تعریف می‌کند. در نتیجه، فراکتابداری به منزله یک نظام انتزاعی است که بین نیاز یک فرد به دانش و ابزار موجود برای آن فرد ارتباط برقرار می‌کند.

بنابراین، نظریه فراکتابداری به عنوان رهیافتی وسیع و فراگیر شناخته شده است که انواع رهیافت‌های مربوط به تفسیر پیشینه‌های دانش را دربرمی‌گیرد. سؤال فلسفی در این رهیافت برحسب جنبه‌های متافیزیکی، شناخت‌شناسی، و ارزشی فرمول‌بندی شده است که هر یک از آنها در سطوح روندی، بافتی، و مفهومی، مورد تفسیر قرار می‌گیرد. در نتیجه با پیشنهاد پاسخ‌هایی متافیزیکی به سؤالات فلسفی پایه، فراکتابداری را به عنوان یک سؤال متافیزیکی در مورد معنای این رشته تعریف می‌کند.

منابع

No.25 (Jan.1955): 15-22.

10. Ellis, D. *Progress and problems in information retrieval*. London: Library Association Publishing, 1996.

11. Emery, R. "Steps in reference theory". *Library Association*, Vol.72, No.3 (Mar.1970): 90-96.

12. Foskett, D.J. *The creed of a librarian; No politics, No religion, No morals*. London: The Library Association, 1962.

13. Ibid. "General systems theory and the organization of libraries". In G. Holroyd (editor), *Studies in Library Management*. London: Clive Bingley, 1974.

14. Ibid. *Science, Humanism and Libraries*. New York: Hanfer publishing Co, 1964.

15. Goode, William J. "The librarian: from occupation to profession". In *Seven questions about the profession of librarianship*, by Ennis, Philip. H. & Winger, Howard W. Chicago: The University of Chicago Press, 1962.

16. Herold, Ken R. "Librarianship and the philosophy of information". *Library Philosophy and Practice*. Vol.3, No.2 (2001). [on-line]. Available: <http://www.webpages.uidaho.edu/mbolin/herold.html>.

17. Hjørland, Birger. "Epistemology and the socio-cognitive perspective in

۱. اورام، آندرز. «علوم اطلاع‌رسانی، تحولات تاریخی، و جنبه‌های اجتماعی: دیدگاهی از اسکاندیناوی». ترجمه جهان ریز خسروی. *اطلاع‌رسانی*، دوره شانزدهم، ۱ (بهار و تابستان ۱۳۷۶): ۹۳-۱۰۵.

۲. باد، جان. «مبانی معرفت‌شناختی کتابداری و اطلاع‌رسانی». ترجمه نجلا حریری. در *مبانی، تاریخچه، و فلسفه علم اطلاع‌رسانی: گزیده مقالات*. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۱.

۳. کرایست، جان م. *مبانی فلسفه کتابداری آموزشی*. ترجمه اسداله آزاد. تهران: آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵.

۴. یورلند، بیرگر. «بنیادهای فلسفی، نظری، و عملی علم کتابداری و اطلاع‌رسانی». ترجمه عبدالحسین آذرنگ. در *مبانی، تاریخچه، و فلسفه علم اطلاع‌رسانی: گزیده مقالات*. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۱.

5. Benge, Ronald C. *Libraries and Cultural Change*. Landon: Archon Books and Clive Bingley, 1970.

6. Butler, Pierce. *An introduction to library science*. Chicago: The University of Chicago Press, 1944.

7. Ibid. "Librarianship as a profession". *Library Quarterly*, Vol.21 (Oct.1951):235-247.

8. Danton, J. P. "Plea for a philosophy of librarianship". *Library Quarterly*, No.4 (Oct.1934): 528-529.

9. Egan, Margaret E. "The Library and Social Structure". *Library Quarterly*,

History, No. 11 (Apr.1976): 167-176.

26. Swanson, D. "The intellectual foundation of library education". *29th Annual Conference of The Graduate Library School*, (July6-8 1964, University of Chicago Press).

27. Terbille, C.I. "Competing models of library science: Waples-Berelson and Butler". *Libraries and Culture*, Vol.27, No.3 (Summer 1992): 299.

28. Wellard, J.H. *The public library comes of age*. London: Grafton, Whiteman, 1940.

29. Wheeler, J.L. *Progress and problems in education for librarianship*. New York: Carnegie Corporation, 1946.

30. Whitehead, James Madison. *Logos of library and information science: apperception on the institutes of bibemetics with commentaries on general humanistic methods and the common philosophy*. Pittsburgh: Graduate School of Library and Information Sciece, University of Pittsburgh, 1980.

31. Wright, H.C. "Inquiry in science and librarianship". *Journal of Library History*, Vol.13, No.3 (Summer 1978): 250-260.

32. Ibid. "An interdisciplinary philosophy of librarianship". *Annual Conference of the Society of Educators and Scholars*, (29 September-2 October 1982, Union N.J).

تاریخ دریافت: ۱۳۸۵/۳/۲۷

information science". *Journal of the American Society for Information Science and Technology*, Vol.53, No.4 (2002): 257-270.

18. Kaplan, A. "The age of the symbol—A philosophy of library education". *Library Quarterly*, Vol.34, No.4 (Oct.1964): 296.

19. McCrimmon Barbara. "Librarianship philosophies". In *The Encyclopedia of Library History*. W.Wiegand and D.C.Davis, eds New York, Carland Publishing, 1994, PP. 494-498.

20. Miller, George A. "Information theory in psychology". In *The study of information; interdisciplinary messages*. Machlup, F. and U. Mansfield. New York. John Wiley, 1983, pp. 493-496.

21. Nitecki, Joseph Z. "Philosophical aspects of library and information science in retrospect". 1995. [on-line]. Available <http://www7.twu.edu/library/Nitecki/aspects/ch-02.html>.

22. Rao, K.R. "Philosophy of librarianship". *Indian Librarian*, Vol.16, No.2 (Sep.1961): 69-72.

23. Ranganathan, S.R. *Preface to library science*. Delhi: University of Delhi, 1948.

24. Richardson, E.C. *The beginnings of libraries*. Hamden, Conn: Archon Books, 1963.

25. Shaughnessy, T.W. "Theory building in librarianship". *The Journal of Library*